

سکونت و پیدایش شهر¹

سارا نظری قنبری²، دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری؛
سارا علی پور، دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه

چکیده

سکونت موجب ایجاد تفکر اسکان و در نتیجه آن ساختن شد؛ در اینجاست که واژه بنا کردن و زیستن به واسطه سکونت تعریف می شود. باور به فرآیند شکل گیری و پیدایش شهر بر اساس سکونت یکی از قدیمی ترین تئوری ها و نظریه ها در پیدایش و ظهور شهر است و از آنجا که غایت سکونت جدای از اجتماع و انسان تصور نشده؛ میل و دلیل برای اثبات آن از نظر اندیشمندان شهری احساس نمی شده است و این خود دلیلی بر کم بودن نظریه های پیرامون سکونت و پیدایش شهر است. مسلماً شناخت دلایل پیدایش شهر که سکونت وجه غالب آن است می تواند دیدگاه بهتری از ماهیت شهر در اختیار طراحان قرار دهد. لذا این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی می کوشد تا تعریفی دقیق از سکونت ارائه دهد و با بررسی نظریه های مرتبط با پیدایش شهر، شکل گیری شهر در غالب سکونت را بررسی نماید. آنچه مسلم است؛ شناخت دلایل پیدایش شهر و سکونت می تواند دیدگاه بهتری از ماهیت شهر در اختیار نظریه پردازان، اندیشمندان و طراحان قرار دهد.

واژگان کلیدی سکونت، پیدایش شهر، فضا، مکان

¹ این مقاله برگرفته از مباحث مربوط به پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری سارا نظری قنبری با عنوان "امکان سنجی بهره گیری از رویکردهای شهرسازی در طراحی معماری محله های مسکونی (نمونه موردی باز طراحی بخشی از محله فیض آباد کرمانشاه)" است که در دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه دفاع شده است.

² نویسنده مسئول: تلفن: 083-37234247. E-mail: saranazarigh7@gmail.com

ایجاد شهرها را می توان بزرگ ترین انقلاب فرهنگی و برجسته ترین روند اجتماعی بشر در روابط متقابل انسان ها با یکدیگر دانست. شهر ماهیت اجتماعی انسان ها را شکل داد و نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی بشر بود. تا گام های اولیه به سوی رشد و ایجاد دستاوردهای عظیم برای وی فراهم شود. با این دیدگاه شناخت اساس شکل گیری شهر را شاید روابط اجتماعی و متقابل انسان با انسان قلمداد کنیم؛ اما آنچه بر این نحوه تعامل سایه می افکند بزرگترین نیاز بشر یعنی خورد و خواب است، که نیازمند حضور در مکان و آرامشی است که همه در واژه "سکونت" تعبیر می شوند. این دیدگاه که سکونت موجد پیدایش شهر بوده؛ هرگز از دیدگاه نظریه پردازان شهری رد نشده است و اکثر آنها سکونت را مکمل تعاریف خود از ماهیت ایجاد و پیدایش شهر دانسته اند.

از دیدگاه جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی، شهر پیچیده ترین سکونتگاه انسانی است که در آن وسیع ترین روابط انسان، محیطی (رابطه انسان با طبیعت، با شهر و شهروندان) شکل می گیرد. بنابراین شهر بستر و محیط زندگی انسان باید علاوه بر تامین نیازهای زیستی و مادی مردم بتواند هر چه بیشتر به نیازهای اجتماعی و روانی انسان - محیطی پاسخ دهد، این نیازها را می توان به سه مقوله اصلی یعنی ادراک فضایی، احساس تعلق و احساس زیبایی تقسیم کرد. (مهددیزاده، 1385، ص. 9) با در نظر گرفتن اینکه، حضور انسان واقعیتی به نام شهر را پدید می آورد و انسان جامعه را شکل می دهد، شهر نیز در ارتباط تنگاتنگ با جامعه است. جامعه مدنی که از حضور انسان متاثر است. شهر، حاصل مجموعه روابط میان بازیگران اجتماعی است که شکل آن از چگونگی روابط تبعیت می کند. (نظریان و همکاران، 1392، ص. 278)

کریستیان نوربرگ شولتز در کتاب مفهوم سکونت به تعریف و تبیین مسئله سکنی گزینی و انواع سکونت می پردازد. او برای سکونت سه حالت و چهار جنبه قائل است که زیر سایه مفاهیمی چون احراز هویت و تعیین موقعیت به این جنبه ها می پردازد. شولتز سکونت را چیزی بیش از سقفی را به عنوان سایبان قرار دادن و چند مترمربعی از زمین را زیر پا گرفتن می داند. وی برای سکونت سه حالت مختلف متصور است؛ سکونت مجتمع در آبادی، سکونت عمومی در بنای عمومی، و سکونت خصوصی در خانه. از دیدگاه شولتز آبادی، فضای شهری، نهاد و خانه به همراهی یکدیگر محیط کل یعنی جایی که سکونت به جنبه های طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی خود در آن رخ می دهد را به وجود می آورند. آبادی نماینده رخداد سکنی گزیدن طبیعی انسان است. هر چند در دوران معاصر انسان به میل خود آبادی محل سکونت خود را انتخاب نمی کند و در لحظه تولد در یک آبادی از پیش آماده افکنده می شود؛ اما آبادی از منظر شولتز راه حلی برای مسئله یافتن جای پا در جهان مفروض است. از دیگر تعاریف ارائه شده برای آبادی نیز احداث بنایی نو بر روی زمین کهنه است. از گذشته دور فضای شهر و آبادی محل ملاقات و رابطه متقابل انسان ها و تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است. در شهرها انسان با آزمودن آنچه که به یک جهان غنا می بخشد سکونت مجتمع را امتحان می کند. سکونت عمومی در شهرها و در بناهای عمومی اتفاق می افتد؛ جایی که نماینده خاطرات مشترک بودن در مکانی خاص است. سکونت خصوصی، حاصل جریان های ویژه و مختص فردی است. لذا سکونت شامل آن گوشه گیری که موجب پرورش هویت فردی است نیز می شود. همچنین سکونت خصوصی از چارچوب های سکونت عمومی پیروی می کند و در خانه یا بنای مسکونی به عنوان مأمن خاطرات جهان خصوصی آدمی اتفاق می افتد. شولتز برای تشریح مسئله سکونت مفاهیمی چون احراز هویت و تعیین موقعیت را به کار می گیرد. احراز هویت و تعیین موقعیت به همراه یکدیگر ساختار کلی سکونت و بالتبع مخرج مشترک شیوه های چهارگانه آن را فراهم می آورند. احراز هویت به شکل مادی مکان بستگی دارد در حالی که تعیین موقعیت در ارتباط ادراک نظام فضایی مکان است. احراز هویت به معنای برقراری پیوندی پرمعنا با جهان متشکل از چیزهایی مرتبط با یکدیگر است. در نتیجه احراز هویت گشودگی و باز بودن به روی شخصیت محیط را نیز شامل می شود. به واسطه احراز هویت، آدمی بر جهان و بالتبع بر هویت، به عنوان شخصیتی درونی در افراد، چیره می شود. به طور کلی از نظر شولتز جهانی که توسط هر اثر معماری گرد می آید دورنمای مسکونی دارد، زیرا غایت سکنی گزیدن انسان بر روی زمین در مفهوم خانه شکل می گیرد. مسکن و یا خانه چشم اندازی است که علاوه بر دارا بودن کیفیات عمومی، ویژگی های اختصاصی فرد را نیز داراست. خانه باید نه تنها به برقراری صمیمیت با مکان طبیعی کمک کند، بلکه باید مکانی برای آسایش و واجد حس تعلق باشد. میان خانه و محیط وابستگی ای وجود دارد، به عبارتی خانه وظیفه ارتباط زمین و آسمان را از طریق نمایش روش های هستی بین زمین و آسمان به عهده دارد. او همچنین برای خانه یک مضمون اجتماعی قائل است؛ خانه ها همانند اعضای خانواده به یکدیگر تعلق می یابند و شهر را شکل می دهند، مردم شهر به واسطه ارتباط و تعلق خانه ها با هم پیوند می خورند، و از این طریق به تعلق خاطر جمعی از مکان دست می یابند. (پورسلیمان، 1385)

سکونت و شهر

سکونت اولین عامل شکل گیری شهر در طول تاریخ بوده است. "سکونت" در فرهنگ فارسی معین و لغت نامه دهخدا با واژگان "اقامت کردن"، "ماندن"، "وقار" و "آرامش" برابر نهاده شده است. سکونت¹ از ریشهی "سکن" به معنی "آرام" و "قرار" است. از واژگان هم ریشهی سکونت می توان به "مسکن: آرام بخش"، "تسکین: دلداری دادن، آرام کردن"، "اسکان: مستقر کردن/ مستقر شدن" و "مسکن: منزل / محل اسکان" اشاره کرد. نیاز به زندگی اجتماعی، به موازات نیاز به سرپناه و غذا و دیگر نیازهای اساسی انسان قابل بررسی است. تفکر سکونت و اسکان بشر همواره یکی از مباحث فلسفی در میان اندیشمندان و اندیشه گران در حوزه های مختلف است. فیلسوفان درباره سکونت نظرات متفاوت و گاه مشابهی داشته اند؛ آنچه به وضوح به عنوان وجه تشابه در میان این تفکرات به چشم می خورد، تفکر فرهنگی و قائل بودن به نیازهای اجتماعی است که با اسکان و سکونت به وجود می آید. اگرچه گاهی مفهوم سکونت به طور مشخص در گفتار فلاسفه به کار نرفته است؛ اما "زندگی" مترادف با این مفهوم کاربرد و کارکردهای اجتماعی اسکان را به ذهن متبادر می سازد. با این اوصاف اما هنوز نمی توان سکونت را تنها عامل ایجاد شهرها دانست.

انسان سکونت اختیار کرد تا از گزند حیوانات درنده و ناملایمات اقلیمی مصون باشد. این گزاره در برداشت نخست صحیح به نظر می رسد اما با نگاهی عمیق تر به تفاوت ها و شباهت های انسان با دیگر موجودات زنده، باید گفت گزاره ی فوق نادرست نیست اما قطعاً ناقص است. اگر چه انسان نیز مانند دیگر موجودات زنده در پی حفظ حیات خویش است و در هماهنگی با محیط زیست خود مکانیسم هایی برای تغذیه، تولید مثل، رویارویی با دشمن و مقابله با اثرات ناخوشایند طبیعی اتخاذ می کند، اما آنچه انسان را از دیگر موجودات متمایز می سازد علاوه بر توانایی استفاده ی بهینه از ابزار، قابلیت درک و تحلیل نمادین است. انسان تأمین نیازهای طبیعی خود را بعدی غیرمادی و سمبلیک می بخشد. به این ترتیب سکونت صرفاً ایجاد یک سرپناه نیست و مفهومی فرهنگی است. به نظر هایدگر سکونت "سقفی را

سایبان قرار دادن یا چند مترمربع زمین را زیر پا گرفتن نیست" (شولتز، 1387، ص. 9) ایروس راپاپورت میل به اسکان را از ویژگی های زیربنایی رفتار انسان می داند و حتی درباره ی سکونتگاه های نخستین، قائل به کارکردی نه صرفاً سرپناهی بلکه بعدی فرهنگی است. (راپاپورت، 1382، ص. 64)

فضا و مکان

فضا واژه ای است که در زمینه های متعدد و رشته های گوناگون از قبیل فلسفه، جامعه شناسی، معماری، شهرسازی و جغرافیا به طور وسیع مورد استفاده قرار گرفته است. فضا یک مقوله عام است که تمام هستی را در بر می گیرد و مارا در تمام طول زندگی احاطه کرده است. هرکاری که انسان انجام می دهد، دارای یک جنبه فضایی نیز است، به عبارتی هر عملی که انجام می شود، احتیاج به فضا دارد در واقع فضا عرصه مانور انسان برای حیات و زندگی است. در مورد فضا سه دیدگاه فلسفی وجود دارد که الهام بخش متفکران و محققان حوزه شناخت و البته زمینه ساز بررسی منشا چارچوب مفهومی از فضا است، که عبارتند از:

(الف) موضع مطلق یا جوهری از فضا؛ (عمدتاً منسوب به دکارت و نیوتن)

(ب) موضع نسبی یا ربطی از فضا؛ (عمدتاً منسوب به لایب نیتس)

(ج) موضع معرفت شناختی از فضا؛ (عمدتاً منسوب به کانت) (حافظ نیا و همکاران، 1391، ص. 76 و 77)

از نظر نیوتن فضای مطلق، بنا به طبیعت خود، بدون رابطه و انتساب با شیء بیرونی، همیشه همانند و حرکت ناپذیر است. و از نظر دکارت تصور ما از انبساط و گسترش فضا، همسان تصور ما از جوهر جسمانی است. در موضع مطلق یا جوهری از فضا، فضا جوهری مستقل است که واجد صفاتی از خود باشد و چون پیوسته، کمی، قابل نفوذ و ثابت است از صفات خاصی برخوردار است یعنی فضا قلمروی منفعل و محیط و مقری برای اشیا و تعامل بین آنهاست؛ به تعبیری دیگر فضا خالی و موضوعات دیگر درون آن قرار می گیرند. لایب نیتس فضا را نیز مانند زمان، صرفاً نسبی می داند. «من فضا را نظم هم بودی ها و تقارن ها می دانم. فضا بدون اجسام هیچ نیست، تنها امکانی برای استقرار اجسام است.» از این منظر فضا، امری نسبی و راهی برای آگاهی از روابط بین عناصر است. نیتس با رد نظر کسانی که برای زمان و فضا موجودیت مستقل قائلند؛ زمان و فضا را مخلوق ذهن انسان و امری انتزاعی می داند. یعنی اگر عبارتی دال بر انتساب صفاتی به فضا وجود داشته باشد، منطقاً می توان این صفات را به روابط بین اشیا تقلیل داد. از نظر کانت، فضا یک مفهوم تجربی که از تجربه بیرونی انتزاع شده باشد نیست، فضا یک صورت ذهنی ضروری است و در نتیجه، مفهومی پیشینی همان گونه که ارسطو به آن باور داشته معرفتی پیشینی است. فضا و زمان ابزاری برای دسته بندی پدیده و مقوله ای ذهنی هستند؛ همانگونه که علت، ضرورت، وحدت و کثرت اشکال ذهنی هستند که در ذهن وجود دارد.

فضای جغرافیایی فضایی است که مکان آن در زمین قابل تعیین است. فضایی عینی و یا به تعبیر فرانسوا پرو فضایی «معمول» است. (دلفوس، 1374، ص. 9) اصولاً فضای جغرافیایی، یک مقوله تاریخی، اجتماعی و سیاسی است که در بستر محیط فیزیکی نقش بسته است. (شکویی، 1382، ص. 181) پس می توان اینگونه برداشت کرد که؛ مکان بخشی از فضا است که یک موقعیت و حجم را تصاحب می کند. این حجم تابع خصوصیات فضایی که آن را اشغال کرده، می تواند نسبی یا مطلق باشد. «مکان» زیرمجموعه فضا است. موقعیت تابع مکان و هر مکان درون یک فضا است. با مطلق یا نسبی بودن فضا، مکان و موقعیت نیز دچار تحول مفهومی می گردند.

جدول 1- عناصر اصلی یک مکان از نظر جانستون (ماخذ: نگارنده)

مقر	بستری که در آن روابط اجتماعی شکل می گیرند.
موقعیت	بستری که در آن تعامل اجتماعی روی می دهد و به وجود آورنده بار احساسی مکان است که ساختار محلی احساس در ارتباط است

مکان نه تنها اطلاعاتی درباره ی جایی که در آن زندگی می کنیم یا اهل آنجا هستیم به ما می دهد، بلکه درباره ی شخصیت و این که ما چه کسی هستیم، نیز چیزهایی می گوید. فضاها وقتی رنگ زمان به خود می گیرند که به مکان های مختلف تبدیل می شوند. چنین ارتباط زنده ای مردم و مکان ها را به یکدیگر پیوند می دهد، و آن ها را به یکدیگر وابسته می کند. این امر مردم را قادر می سازد تا خود را تعریف کنند، در تجارب بیشتری با دیگران سهیم شوند و یا خود را با اجتماعات، همگون و هم شکل سازند. اگر وابستگی به مکان ها سست شود، هویت مردم و جوامع نیز به سستی می گراید. (کرننگ، 1383، ص. 145)

سکونت و حس مکان

بار احساسی مکان با ساختار محلی احساس در ارتباط است و در برگیرنده محل های مختلفی نظیر خانه، محل کار، مدرسه و کلیسا است که فعالیت های انسان، حول آن ها صورت می گیرد. از تلفیق ساختار محلی و نوع فعالیت انسانی، احساس مکانی به وجود می آید که دارای دو بعد جغرافیایی و اجتماعی است. (مویر، 1379، ص. 34) از نظر کانت ارزش های فردی و جمعی و حس مکان دارای کنش و واکنش متقابل هستند و افراد معمولاً در فعالیت های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می کنند. از دیدگاه پدیدار شناختی مهم ترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان واژه های مکان دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است و حس مکان به معنای ویژگی های غیرمادی یا شخصیت مکان است که معنای نزدیک به روح مکان دارد. (فلاحت، 1385، ص. 58) از نظر رلف حس مکان مفهوم مشخصی نیست که بتوان تعریف دقیقی برای آن ارائه داد. بلکه باید با آزمون روابط میان مکان و پایه های پدیدارشناختی جغرافیایی سنجیده و ارزیابی شود. از دید او معنای اصلی مکان فراتر از عملکردهایی است که مکان تامین می کند، بالاتر از اجتماع است که آن را اشتغال می کند و ورای تجارب مصنوعی و دنیوی مکان است. (حافظ نیا، احمدی پور، قادری حاجت، 1391، ص. 193) در واقع تجربه اصلی ترین رکن در احساس از نظر پدیدارشناختی مکان است.

مکان به عنوان زادگاه یا زیستگاه، باعث شکل گیری علاقه در انسان می شود که می توان از آن به «عاطفه یا مهر مکانی» یاد کرد که عمدتاً برپایه روابط اکولوژیکی (طبیعی و انسانی) انسان با مکان یا فضای جغرافیایی قرار دارد. (حافظ نیا، 1385، ص. 173) سکونت در این تعریف، ساختار مکان و مفهوم اکولوژیکی آن را پدیدار می کند. انسان به واسطه زیستگاه خود، در ایجاد مکان و اشغال فضا و توسعه روابط نقش دارد. و بر این اساس سکونت و حضور در مکان مکمل ایجاد حس مکان در رابطه با فضا و همچنین شدت و ضعف حس او از مکان می باشد.

نظریات مرتبط با پیدایش شهر و سکونت

با نگاهی به کارکردهای مسکن در شهرهای امروزی، می‌توان به کاربردهای اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه‌ها پی برد. از این مطلب می‌توان اینطور برداشت کرد که سکونت محرک ایجاد شهرها بوده است؛ اما تنها عامل ایجاد کننده شهر در طول تاریخ نبوده است، گرچه پیدایش شهر، به سکونت و رفع نیازهای بشر در فضای جمعی وابسته بوده است اما نظریه پردازان، پیدایش شهر را از جنبه های مختلفی مورد بررسی قرار داده اند. یکی از مهم ترین نظریات در مورد شهر، نظریات گوردن چایلد است. وی در مقاله خود تحت عنوان «انسان خود را می‌سازد» تاریخ بشر را به 4 دوره پارینه سنگی، میان سنگی، نوسنگی و شهری تقسیم می‌کند.

جدول 2- چهار دوره تاریخ بشر از نظر گوردن چایلد (ماخذ: نگارنده)

دوره	مقطع زمانی	نوع سکونت	نوع فعالیت	نوع اجتماع
پارینه سنگی	از 10 میلیون سال پیش تا 10 هزار سال پیش از میلاد	محل سکونت انسان غار بوده است.	شکار، خوشه چینی و میوه چینی	کوچک و خانوادگی
میان سنگی	از 10 هزار تا 9 هزار سال پیش	انسان کوچ نشین و در کلبه‌های موقت سکونت داشته است.	دامداری، دامپروری یا به عبارتی اهلی کردن حیوانات	ایل و عشیره
نوسنگی	از 9 هزار تا 8 هزار سال پیش برخی نقاط تا 6 هزار سال	انسان در این دوره یکجانشین می‌شود	کشاورزی و پرورش گیاه و نگهداری دام	اجتماع چند خانواده و تشکیل روستا
شهری	از 6 هزار سال پیش تا انقلاب صنعتی	انسان در این دوره یکجانشین است	بشر به فلزات دست پیدا می‌کند. خط شکل می‌گیرد و صنعت رواج می‌یابد.	اولین تمدن های بشری در این دوره متولد و شهرهای نسبتا بزرگی ایجاد می‌شوند.

آنچه در بررسی این 4 دوره مشخص می‌شود این نکته برجسته است که نوع سکونت تنها یکی از عوامل ایجاد کننده شهر در طول تاریخ بوده است؛ در واقع ساختارهای اقتصادی (فعالیت) و نهادهای اجتماعی در پیدایش شهر سهم به سزایی داشته است. به اعتقاد گوردن چایلد ساخت اقتصادی و سازمان اجتماعی دو انقلاب عظیم در پیدایش شهرها بوده‌اند؛ او این دو انقلاب را معلول ازدیاد جمعیت می‌داند و در نظریات خود تقدم کشاورزی و مازاد تولید را به عنوان گذر از یک دوران به دوران دیگر و عاملی در پیدایش شهرها مطرح می‌کند. چایلد برای بازساخت شهر از دهکده ده ویژگی را به این شرح بر می‌شمارد:

1) گسترش شهرها (سکونتگاه‌های ثابت)، 2) ترکیب عملکرد، 3) تمرکز ثروت، 4) بناهای عمومی، 5) پیدایش جامعه طبقاتی، 6) اختراع خط، 7) پیشرفت علوم ریاضی و نجوم، 8) اجتماع متخصصان تمام وقت در شهرها و پیشرفت صنعت و هنر، 9) پیدایش و گسترش تجارت اشیاء تجملی با مناطق دوردست، 10) استقرار روابط سازمان یافته سیاسی و حکومتی به جای روابط قومی. (پاپلی، رجبی، 1389، ص. 67). اما نظریات چایلد منتقدانی نیز داشته است از آن جمله می‌توان به جین جیکوبز اشاره کرد.

جیکوبز در کتاب «اقتصاد شهرها» برای اولین بار و به طور جدی نظریه تقدم کشاورزی و مازاد محصولات تولید بر پیدایش شهرها را زیر سوال می‌برد و در رد این نظریه به یافته‌های باستانی در منطقه چتل هویوک و اریحا استناد می‌کند. او نظریه خود را تحت عنوان نئوایسیدین ارائه می‌دهد و در آن به این موضوع اشاره دارد که کشاورزی و دامپروری، خود محصول پیدایش شهرها بوده و نطفه اولیه شهرها را تجارت و بازرگانی شکل داده است. (بختیاری، رحمدل، 1394، ص. 27). در این میان پل سینجر کسی است که نظریاتی مابین نظریات چایلد و جیکوبز دارد. او وجود مازاد محصولات کشاورزی را در پیدایش شهرها لازم می‌داند اما از نظر او این شرط کافی نیست. او منشا پیدایش و گسترش شهرهای تجاری را به چگونگی تحول تجاری وابسته می‌داند. از نظر او شهر تجارت را ابداع نمی‌کند، بلکه خصوصیات تجارت را تغییر می‌دهد. آنچه به وضوح در تفکرات سینجر دیده می‌شود برخورداری از نظام سلسله طبقاتی و بازگو کردن آن به شکلی خرد تا کلان است.

در دیدگاه او، روستا مکان فعالیت‌های اولیه است و قادر است بدون وجود شهر نیز به حیات خود ادامه دهد، اما شهر تنها زمانی موجودیت و دوام می‌یابد که نیروهای تولیدی در روستا به حدی از توسعه دست یابند که تولید محصولات به صورت دائمی و مستمر بیش از مقدار لازم برای معیشت مردم در روستا باشد. از این رو او شهر را وابسته به روستا می‌داند و بیان می‌کند که استمرار انتقال مازاد از روستا به شهر علاوه بر بقا و دوام شهر، سبب ایجاد ساخت طبقاتی در جامعه نیز می‌شود. یعنی شکل گیری طبقه ای مسلط در درون جامعه که بدون شرکت مستقیم در امر تولید، مازاد محصولات را که به وسیله سایر بخش‌های جامعه تولید می‌شود، تصاحب می‌کند. (بختیاری، رحمدل، 1394، ص. 31)

پروفسور هوفر پیدایش شهر را در نتیجه ارتباط میان شش جنبه زیر می‌داند:

ساخت اقتصادی (تنوع فعالیت و اشتغال)، ساختار اجتماعی (تفاوت طبقات اجتماعی)، ساخت کالبدی (طرح، ساختمانهای عمومی، حصار و غیره)، موقعیت جغرافیایی، موقعیت قانونی (قانون اساسی، دستگاههای حقوقی، محلات) و بالاخره حیات سیاسی. البته می‌توان گفت؛ روستاها بخصوص روستاهای بزرگ کم و بیش می‌توانند پنج جنبه از جنبه های فوق را داشته باشند، لیکن وجه تمایز شهر با روستا در حیات سیاسی است که شاخص آن همان حاکمیت عمومی است. (پاپلی، رجبی، 1389، ص. 50) زندگی روزمره انسان و انگیزه‌ها و پدیده‌های که او را از خانه بیرون برده، دوباره به خانه بر می‌گرداند. در محیط سیاسی اثر ژرفی می‌گذارد. این اثرگذاری از آن جهت مورد توجه ویژه است که محیط زندگی گروه های انسانی را وادار به ایجاد ساختارهای سیاسی، نظامی و اداری برای اداره امور آن محیط می‌سازد. اثرگذاری متقابل این ساختار یا نظام سیاسی و زندگی روزمره انسان، بخش مهمی از مطالعات جغرافیای سیاسی است. ژان گاتمن بر این باور است که سیاست در اصل برای مطالعه امور شهر بوده است. وی ریشه واژه پولیتیک را در واژه یونانی «پولیس» به معنی شهر جستجو می‌کند و می‌گوید که ارسطو کتاب سیاست خود را به بررسی چگونگی پیدایش شهرها اختصاص داده بود. مطالعه شهر عبارت است از درک جامع ناحیه ای از راه مطالعه ساختار فضایی جریان سیاسی و نظام اقتصادی آن (مجتهدزاده، 1381، ص. 51)

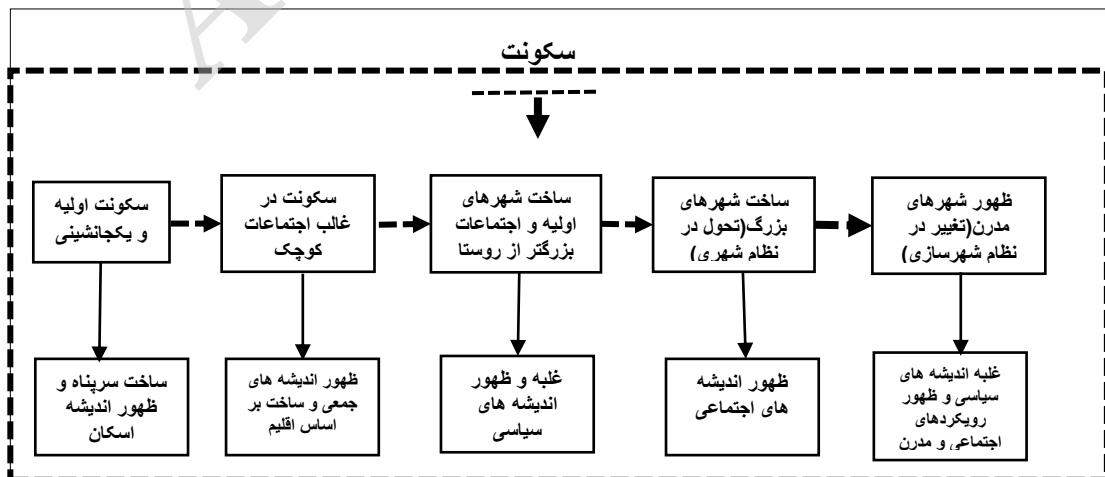
جدول 3- نظریه های پیدایش شهر (ماخذ: نگارنده)

نام نظریه	نظریه پرداز	اساس نظریه	اندیشه ها
نظریه آب و سکونتگاه		اساس این نظریه مبتنی بر سکونت بشر و تامین آب به عنوان مایع حیات بوده است	منشاء اولیه شکل گیری سکونتگاهها آب بوده است. وضعیت هر تمدن را می توان با جایگاه یا سهم آب در زیرساختهای آن جستجو کرد. آب و توپوگرافی عامل تعیین کننده بافت شهری است.
نظریه ساخت فرهنگی	امس راپاپورت	اساس این نظریه بر اعتقادات مذهبی و عقاید فرهنگی و ارتباط متقابل میان عناصر محیطی و انسان استوار است.	از نظر او شهر یعنی نظم دهنده بسیار وسیع عوامل فرهنگی و اعتقادات مذهبی را عامل اصلی ایجاد کننده نظم در شهر می داند.
نظریه ساخت طبیعی		اساس این نظریه بر ویژگیهای جغرافیایی استوار است. بر این اساس مشخصات طبیعی و خصوصیات فرهنگی مردم بر ساخت و پیدایش شهر تاثیر دارد.	ساخت شهر یک ساخت گروهی و اجتماعی است ویژگیهای جغرافیایی و فرهنگی بر پیدایش شهر در یک مکان جغرافیایی موثر است. پیروان یک مذهب، یک نژاد، یک ملت یا گروه می کوشند در حوزه همکیشان و هم نژادان خود زندگی کنند.
نظریه انقلاب شهری	گوردن چایلد	اساس این نظریه بر دو انقلاب عظیم، یکی در ساخت اقتصادی و دیگری در سازمانهای اجتماعی همراه بوده است.	از دیدگاه او این دو انقلاب تا حدودی معلول ازدیاد جمعیت بوده است.

پیدایش، رشد و توسعه شهرها در تمام ادوار تاریخی دارای فراز و نشیب بوده است و گاهی، شهرها چنان عظمت و توسعه ای یافته اند که به صورت یک کشور شهر درآمده اند. وجود شهرهایی مانند آتن و اسپارت در یونان قدیم و شهر روم از آن جمله است، ولی آنچه اساس شهرنشینی و بسط شهرها را بنیان گذارد، به قرن هجدهم میلادی باز می گردد که به عصر انقلاب صنعتی شهرت دارد. (شیع، 1392، ص. 12) شهرها در گذشته و به طور کلی قبل از صنعتی شدن از بسیاری جهات با شهرهای صنعتی و امروزی تفاوت داشته است؛ گرچه برخی از شهرهای باستانی در زمان خود از مراکز بزرگ تجمع انسانی بوده اند اما در ماهیت و شالوده زندگی اجتماعی و اقتصاد با شهرهای امروزی تفاوت های فراوانی داشته اند.

نتیجه

سکونت همواره تصویری از یکجا ماندن را در ذهن ایجاد می کند. اما تجربه سکونت؛ نمونه ای فراتر از یک تصویر است. شهرها با دخالت آگاهانه انسان در محیط طبیعی، و بر اساس نیاز بشر به سکونت تاثیرات زیادی بر روی محیط در مقیاس گسترده وارد کرده است. تغییراتی که در پی سکونت انسان چهره زمین را برای همیشه تغییر داد. جایگاه سکونت در بین نظریه های اجتماعی و نهضت هایی که پیدایش و تکامل شهر را ملاک تفکرات خود قرار داده اند نشان دهنده این امر است که سکونت و اسکان امری با اهمیت در شکل گیری شهر و حیات شهری است. از آنجایی که تصویر ابتدایی از هر شهر بر اساس شکل سکونت در آن تعریف می شود، می توان گفت که ادراک فضا، احساس تعلق و احساس زیبایی بدون ایجاد فضاهای دلنشین برای سکونت افراد در شهر امکان پذیر نیست.



نمودار 1. سیر تحولات سکونت و شهرسازی (ماخذ: نگارنده)

اگر سکونت را وجه غالب پیدایش شهر تصور کنیم؛ در پاسخگویی به این پرسش که دیگر نیازهای انسانی پس از آن؛ در چه اولیوی قرار خواهند گرفت آسانتر خواهد بود، فضاهای مسکونی در شهرها، ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر را تشکیل می دهند و ذهنیت جامعه شهری توسط فضاهای مسکونی در شهر عینیت پیدا می کند. از این مطلب می توان نتیجه گرفت که نخستین وهله بدون سکونت شهر و شهریت بی معناست و از این رو سکونت موجد حیات مدنی در شهر است.

تشکر و قدردانی

لازم میدانم مراتب قدرانی و سپاس خود را از استاد بزرگوارم، خانم دکتر سارا علی پور برای دیدگاه ها و راهنمایی های ارزشمندشان بر این مقاله ابراز دارم. همچنین از گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه و پژوهش دانشکده فنی این واحد بابت مساعدت در تسریع روند ارائه پایان نامه ام تشکر می نمایم.

پی نوشت

1. سکونت از ریشه عربی "سکن"، به معنی اصلی آرام و قرار گرفتن بعد از حرکت (ضطراب)، آرامش (باطن و خاطر) و انس آمده است. همچنین گفته اند «السَّكِينَةُ والسَّكَن» در معنی، یکسان است و آن از بین رفتن رُعب و ترس است.

فهرست منابع

کتاب ها

1. بختیاری، سعید، رحمدل، فرشته، (1394). «طرح ها و رویکردهای شهری»، انتشارات آذرخش.
2. پاپلی یزدی، محمد حسین، رجبی سناجردی، حسین، (1389) «نظریه های شهر و پیرامون»، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت
3. حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی، (1391). "سیاست و فضا"، انتشارات پاپلی وابسته به پژوهشکده امیر کبیر، مشهد.
4. دلفوس، الیویه، (1374)، «تحلیل جغرافیایی»، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا.
5. دهخدا، علی اکبر، (1334) « لغت نامه دهخدا»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
6. شکوئی، حسین (1372) «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر»، چاپ دوم، موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد.
7. شولتز، نوربرگ کریستیان، (1387) «مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی»، ترجمه امیر یاراحمدی، تهران، نشر آگه.
8. شیعه، اسماعیل، (1392) «مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری»، چاپ سی و سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
9. کنگ، مایک، (1383) «جغرافیای فرهنگی»، ترجمه مهدی قرخلو، تهران، انتشارات سمت.
10. مویر، ریچارد، (1379) «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه دره میر صدر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
11. مجتهدزاده، پیروز، (1381) «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران، انتشارات سمت.
12. نظریان، اصغر، زال نژاد، کاوه، ایرانی، شهروز، (1392) « مبلمان شهری مسائل و چالش ها»، چاپ اول، تهران، موسسه انتشاراتی پژوهشگران نشر دانشگاهی.

مقالات

رآپاپورت، ایموس، (1382)، « خاستگاه فرهنگی معماری»، ترجمه صدف آل رسول، افرک بانک، فصلنامه خیال، شماره 8، زمستان.

مقالات اینترنتی

پور سلیمان، زهرا، (1385)، «نقدی بر دیدگاه های شولتز در مفهوم سکونت»، پژوهشکده هنر معماری و شهرسازی نظر، [http:// www.nazar.ac.ir](http://www.nazar.ac.ir)

(فروردین، 1396)